

**THE BOOK WAS
DRENCHED**

UNIVERSAL
LIBRARY

OU 190318

UNIVERSAL
LIBRARY



انشارات دانشگاه تهران

۲۹۶

یازدهمین سال خلاصه‌نویس طوس

سه گفتار خواجه طوسی

در باره چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعده

آفریده نشدن بسیار از یکی

یا

«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

بکوشش

محمد قلی دانش‌پژوه

خرداد ۱۳۳۵

OUP 880-5-8-74--10,000

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No.

Accession No.

Author

Title

This book should be returned on or before the date last marked below



تصویر خواجه نصیر طوسی
(کار استاد هنرمند آقای ابوالحسن صدیقی)



اشارات دانشگاه تهران

۲۹۶

پانزدهمین سال خواجه نصیر طوس

مقدمه گفتار خواجه طوسی

در باره چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعده

«آفریده نشدن بسیار از یکی»

یا

«الواحد لا یندر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

نکوشش

محمد قلی دانش پژوه

خرداد ۱۳۳۵

فهرست مطالب ها

صفحه ۲	دیباچه‌ای از چاپ‌کننده
۳ »	پرسش طوسی از ابهری
۴ »	پرسش طوسی از خسروشاهی
۵ »	یادی از یرسنس قونوی از طوسی
۵ »	سخن طوسی در شرح اشارات
۵ »	گفتار نخستین خواجه طوسی
۶ »	گفتار دوم خواجه طوسی
۱۳ »	گفتار سوم خواجه طوسی

دمکریتس (ذی‌مقراطیس) میگوید که «یکی نشاید از دو پیدا شود چنانکه از یکی دو پدید نگردد»^۱.
 ارسطو این سخن را از او دانسته و باز هم گفته است که «بهست یگانه جز هستی و یگانگی نپیوندد»^۲.
 او و ابن رشد باز آشکارا از قاعده «آفریده نشدن بسیار از یکی» یاد کرده‌اند^۳.

فیلسوفان‌الثائی مانند زنون (Zenon) و شکاکان مانند انسدیموس Aenesidemus نیز چنین سخنی داشته‌اند.

پلوتینوس یا افلوپینوس شیخ یونانی در اثناذ یا تاسوعات (V.3.15,16) در این زمینه بخوبی کاوش نموده و در آغاز بند ۱۵ بخش ۳ تاسوع ۵ چنین گفت که «چگونه میشود که یک چیز ساده چند چیز بیافریند»^۴ در می‌مردهم ثئولوجیا که بنام اثولوجیا خوانده میشود و گزیده‌ایست از اثناذ و بدروغ از ارسطو پنداشته‌اند نیز از این قاعده یاد شده و در آغاز آن دارد «کیف یمكن ان یکون الاشياء من الواحد المبسوط الذی لیس فیہ ثنویة و لا کثرة بجهة من الجهات»^۵

۱- ارسطو در الهی B13.1039a9 این سخن را از او آورده است (ماوراء‌الطبیعه ابن رشد چاپ بوئیز ص ۹۷۰ که دارد: لا یمكن ان یکون واحد من اثنين او اثنان من واحد - ترجمه فرانسوی تریکواز الهی ۱: ۲۹۴)
 ۲- الهی Z.4.1001a27 (تریکو ۱: ۹۸- ابن رشد ص ۲۶۲ که در این دوجا او ماناسخن ارسطو را درست در نیافته است).
 ۳- الهی 2. 1069b30 آ. (تریکو ۲: ۱۵۶- ابن رشد ص ۱۱۴۱-۱۱۴۸).

۴- ترجمه فرانسوی برهیه ۵: ۶۹-۷۲

۵- ص ۲۹۳ چاپ تهران در هاشم قیسات. نیز فهرست دانشگاه ۳: ۲۱۶

این قاعده برای نوپلاتونیان در زمینه مسئله آفرینش **Emanation** مایه دشواری و اشکال شده بود و آنها ناگزیر شدند که در این مسئله به ترتب در تکثر (**Gradual pluralization**) بگرایند^۱. پس این قاعده که بنوشته ابن رشد، فارابی و ابن سینا و فیلسوفان متأخر از آن جانبداری کرده‌اند و برخی هم آنرا بدیهی پنداشته‌اند، با آفرینش اینهمه آفریدگان از خداوند سازگار نمی‌نماید، و ناگزیر باید ترتبی در رشته معلولات پنداشت و تصویر این ترتب هم چندان آسان و دور از خرده‌گیری نیست^۲ غزالی و امام رازی از کسانی هستند که در تباه نمودن این قاعده بسیار کوشیده‌اند. این بود که خواجه طوسی باین قاعده بسیار ارج سینهاده و همواره در جستجوی راه‌حلی برای آن بود تا بتواند بخرده‌ها که از آن گرفته‌اند و خود هم در تجرید و قواعد العقائد و فصول بیاره‌ای از آنها اشاره نموده است پاسخ گوید. در این زمینه او از اثیر الدین ابهری پرسیده است بدینگونه:

«اگر سبب صدور معلولات متکثره غیر مترتبه در سلسله ایجاد از علت اولی، وجود کثرتی که معلول اول را لازم است باشد، مانند وجود، و امکان، و تعقل خود، و مبدأ خود، چنانکه محصلان و متأخران نقل کرده‌اند، سخن

۱- بنگرید به: ترجمه انگلیسی تهافت‌التهافت ابن رشد از **Simon**

Van Den Bergh چاپ ۱۹۵۴ لندن ۲: ۶۳ و ۷۱

۲- برای این قاعده گذشته از شعا و اشارات و تعلیقات و نجات و

دانشنامه و تحصیل بهمنیار و بیان الحق لو کری بنگرید به: تهافت غزالی و تهافت‌التهافت ابن رشد (مسئله سوم) - معتبر بغدادی ۳: ۱۴۸ تا ۱۶۸ - مباحث مشرقیه ۱: ۶۶۰ و ۲: ۵۰۱، و در ۱: ۴۶۶ است که باین سینا در این باره می‌تازد - ملخص رازی و نقد طوسی ص ۱۰۵ و ۱۴۵ که از خرده‌گیریهای رازی در اینجا پاسخ گفته و از فیلسوفان جانبداری نموده است - قبسات داماد در قبس نهم ص ۲۲۸ که سخنان فیلسوفان در آن آمده است - اسفار شیرازی موقف نهم فن یکم مجلد سوم و کتبهای دیگر او .

در کیفیت لزوم آن کثرت، در معلول اول، نه بر طریق ترتب (است). بانجوز صدور کثرت از واحد بسیط دفعة، یا اثبات مبدأ دگر غیر علت اولی، و عدم احتیاج غیر علت اولی بعلمت اولی در وجود، لازم آید. و برطبق ترتب، لازم آید که معلول اول معلول اول نبود. و اگر بعضی از آن امور، عدمی فرض کنند، لازم آید که عدمیات مبادی اولی موجودات بوده باشند. پس سد باب اثبات وجود علت اولی لازم آید. اگر از آنجا که کرم فیاض است ببعضی از آن مضائق اسارت رود از آن کمال فضل بدیع نباشد» (ش ۸۷۱ گ ۱۵۹ ب و ش ۱۰۳۵ ص ۱۰۴ دانشگاه؛ ص ۳۸۱ جلد ۳ دفترست دانشگاه ازنگارنده) گرچه ابهری گویا باین برشش پاسخی نداده است.

طوسی از سمس الدین خسروشاهی هم در همین زمینه پرسیده است بدینگونه :

«ان كان سبب صدور الكثير عن العلة الواحدة الاولى، كثرة في ذات المعلول الاول كالوجوب، و الامكان، و التعقل، على ما قيل؛ فمن ابن جائت الكثرة؟ ان صدرت عن العلة الاولى؛ فلا يخلوا امان صدرت معا، او على ترتيب. فان صدرت معا؛ لم يكن سبب صدور الكثرة عن العلة الاولى، كثرة في ذات المعلول الاول؛ و ان صدرت على ترتيب؛ لم يكن المعلول الاول معلولا اولاً؛ و ان لم يصدر عن العلة الاولى؛ فمن الجائز ان يحصل كثرة من غير استناد الى العلة الاولى؛ و كلها محال. فما وجه النقصي عن هذه المضائق» (نسخه خطی دانشگاه ش ۱۰۳۰/۹ - هاشم شرح هداية صدرای شیرازی ص ۳۸۵ - هاشم بده و -۱۰۱ صدرای شیرازی ص ۳۷۵).

خسروشاهی مانا بدو پاسخ نداد و در سده ۱۱ صدرای شیرازی وسیداحمد عاملی در پاسخ او بروش فلسفی سخنانی گفته اند (ش ۱۰۳۰/۹ و ۱۰۷۹/۲۹ دانشگاه ص ۱۷۹ و ۱۸۹ فهرست نگارنده)

یکی از پرسشها که صدرالدین قونوی از خواجه طوسی کرده است هم همین مسئله است که چهارمین آنها است و او بروشی فلسفی با استدلال کیفی منطقی بدو پاسخ گفته است (ش ۶۸۱) ملک که جنگی است دارای رساله منطق افضل الدین کاشی و رساله های طوسی و دیگران - ش ۱۰۲۲/۹ دانشگاه ص ۱۸۷ فهرست).

طوسی در نهم ششم شرح اشارات نگارش صفر ۶۴۴ از همین مسئله کاوش نموده و دشواری آنرا از راه ریاضی و فلسفی برداشته است^۱ گذشته از اینها سه گفتار دیگر بهمین روش ریاضی از او در دست هست. نخست همانکه در نسخه ش ۴۸۱ کتابخانه ملک گ ۴۳ میبینیم بدینگونه: «ابضا فائدة اخرى له، ره! فی کیفیت صدور الكثرة عن المبدأ الواحد، مع القول: بان الواحد لا يصدر عنه الا الواحد: المبدأ الاول الواحد هو ا. المعلوم الاول الصادر من ا و هو ب. معلول ا مع ب و هو ج.

۱- چنین است گفتار او در شرح اشارات :

«اذا فرضنا مبدا اول وليكن ا ؛ و صدر عنه شئ واحد وليكن ب ؛ فهو في اولي مراتب معلولا له. ثم من الجائز ان يصدر عن ا بتوسط ب شئ وليكن ج ؛ و عن ب وحده شئ وليكن د ؛ فيصير في ثانياة المراتب شيئا لا تقدم لاحد هما علي الآخر. وان حوزنا ان يصدر عن ب بالنظر الي ا شئ آخر ؛ صار في ثانياة المراتب ثلثة اشياء . ثم من الجائز ان يصدر عن ا بتوسط ج وحده شئ ، و بتوسط د وحده ثان، و بتوسط ج د معاناث، و بتوسط ب ج رابع، و بتوسط ب د معا خامس ، و بتوسط ب ج د سادس ؛ و عن ب يتوسط ج سابع، و بتوسط د ثامن، و بتوسط ج د معاناسع ؛ و عن ج وحده عاشر ؛ و عن د وحده حادي عشر ؛ و عن ج د معاناثي عشر ؛ و يكون هذا كلها في ثلثة المراتب . ولو جوزنا ان يصدر عن السافل بالنظر الي ما فوقه شئ ، و اعتبرنا الترتيب في المتوسطات التي تكون فوق واحدة ؛ صار ما في هذه المرتبة اضعافا مضاعفة . ثم اذا جاوزنا هذه المراتب ؛ جاز وجود كثرة لا يحصى عددها في مرتبة واحدة الي ما لا نهاية له . فهكذا يمكن ان يصدر اشياء كثيرة في مرتبة واحدة عن مبدا واحد.»

معلول ب و حده و هو د . ففي المرتبة الاولى من المعلولات واحد، و في المرتبة الثانية منها اثنان، وفي المرتبة الثالثة اثني عشر: معلول ج وحده وهو ه . معلول د وحده وهو و . معلول ج مع د وهو ز . معلول ب ج معا وهو ح . معلول ب د معا وهو ط . معلول ب ج د وهو ی . معلول ا ج د معا وهو یا . معلول ا د معا وهو یب . معلول ا ج د معا وهو یج . معلول ا ب ج د معا وهو ید . معلول ا ب د معا وهو یه . معلول ا ب ج د معا وهو یو . و اذا زدادت المران ب زاد عدد المعلولات التي تكون في مرتبة واحدة الي ما لا يتناهي . و ذلك ما اردناه .»

دوم پاسخى استکه طوسی در همین زمینه بیروش قضای هرات گویا همان فاضی فخر الدین محمد بن عبدالله بیاری فاضی هرات داده است (سرگذشت طوسی از آفای مدرس رضوی ص ۲۶۲).

هانان سستلمان احدیها عن کیفیت صدور الموجودات عن مبداها الاول الواحد تعالی و انیها عن کیفیت علمه بالجزئیات علی رأی الحکماء و الجواب عنهما من مخترعات مولانا سلطان الحکماء نصیر الحق و الدین الطوسی :

بسم الله الرحمن الرحيم .

الحمد لله حمد الشاکرین ؛ و الصلوة علی محمد و آله الطاهرین . بقول محرر هذه الاسطر ا حوج خلق الله اليه محمد بن محمد الطوسی : سألني مولانا فاضی القضاة بهراذ ملك العلماء قدوة المحققين فخر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین سيد الافاضل المتأخرين افضل الافاق ، ادام الله علوه و حرس مجده ، حين استسعدت لخدمته و استفدت من نتایج فكره و قر بحتة و ذلك في شهور سنة ست و ستين و ستمائة ، عن قول الحکماء في کیفیت صدور الموجودات

عن مبداها الاول وعن مذهبه في علمه تعالى الجزئيات. فان افاديل المصنفين فيهما مختلفة والاشكالات الواردة على كل قول منها متكررة و ما نقله العوام عنهم فيهما واشتهر بين الجمهور من رابهم المتعلق بهما ليس مما يرتضيه ادنى انظار المبتدئين، فضلا عن مدعى التحقيق في غوامض المسائل. فاردت ان اجيب عن سؤاله انقياداً لشارته؛ و ان كانت العوائق كثيرة، والشواغل مترامية، والخاطر مقسم، والذهن متودع، والزمان غير مساعد، والحال غير ملائم. حررت ما افتضاه الوقت وحضر في الحال، راجبا ان اعود واكتب في اوان الفراغ، ذكرا وافيما بما طلبه و شرحا كافيا لما فصد، مستعينا بالله وحده مفيض العقل وملهم الصواب. فاقول: اما المطلوب (الاول)؛ فلنقدم له مقدمة، هي: ان كل كذرة منقرة الى الواحد، بل الى الاحاد التي نلتهم عنها تلك الكثرة؛ فاذن هي محتاجة الى مبداء و الى مبادئ. فكل محتاج الى المبداء الاول، لا يصلح لان يكون اول المبادئ. فاذن المبدأ الاول لا يمكن ان يكون الا واحدا. والواحد بالحقيقة الذي يصلح لان يكون مبداء اولاً، لا يمكن ان يكون مشتملا على كثرة في ماهيته، ولان يكون معه كثرة خارجة عن ماهيته معتبرة في مبدئية. واذا كان شئ بهذه الصفة، فلا يمكن ان يقارنه صفات ولا اعتبارات مختلفة و لاضافات ولا سلوب. فان جميع ذلك بتقدمه كثرة لا محالة. واذا تقررت هذه المقدمة؛ فاقول الواحد بالصفة المذكورة لا يمكن ان يصدر عنه الا واحد بلا اعتبار غير ذاته. لانه اذا صدر عنه شيان؛ كان اعتبار صدورهما عنه متغايرين، وحيثما صدرهما عنه مختلفين. فيكون معه اعتباران او حيثيتان؛ وقد فرضنا نفيهما. هذا خلف. و هذا معنى قول الحكماء لا يصدر عن الواحد باعتبار واحد الا واحد. اما اذا تكثرت الاعبارات و الحثيات وان كانت ذهنية او سلبية امكن صدور الكثرة عن الواحد بتلك الاعبارات او الحثيات. مثلا الصباغ اذا وجد ثوباد سما اشتغل بغمسه؛ وان وجد به غير

دسم اشتغل بصبغه فیصیر وجودشی سببا لفعل غیر الفعل الاول. وابطا النار الواحد یعمل تسوبدا فی الحطب، وتبببضا فی الفحم و تسخیناً فی الماء، و تجقیفاً فی الطین؛ وکل ذلك الاختلاف لاختلاف المواد. و من اراد مسکناً؛ قصد بناء بیت ثم اراد للبیت با بولالباب غلقاً و للعلق مادة و صانعا الی غیر ذلك. و انما یشتغل باتخاذ شی بعد شی لانضیاف تخیلات مرتبة الی قصده الاول. و بالجماة بوجد لذلك امثلة كثيرة. و اذ اظهر ذلك فاقول:

إذا صدر عن المبدء الاول الواحد واحد فی المرتبة الاولى من مراتب الصدور؛ امکن ان یتکثر الاعتبارات فی المرتبة الثانية. مثلاً یحدث لكل واحد من المبدء والصادر اضافة الی الآخر، هی امر یعقل فی کل واحد منهما بالقیاس الی الآخر ویسلب عن الآخر، وهو یعقل تبری کل واحد منهما عن ان بدخل فی معقولية الآخر، و یحدث لهما اشتراك فی الوجود اعنی الکیون فی الاعیان، و امتیاز بینهما هو بامرزا یدعی المشترك فی الصادر، و یقید المشترك بعدم انضمام شی الیه فی المبدء. و لاشک فی ان هذه الامور تعقلات متکثرة لازمة بعد صدور الصادر الاول عن المبدء الاول. و تلك الکثرة، و ان لم تكن تصلح لان بکون مبادئ امور وجودية فی الاعیان؛ لكنها صالحة لان یصدر عن المبدء الاول بانضمام کل واحد منها الیه موجوداخر. و بهذا الوجه یمکن ان یصدر عن المبدء الاول کثرة. و لنوضح ذلك باراد مثال آخر. فلیکن المبدء الاول ا، و الصادر الاول ب و من ا بتوسط، ب، ج؛ و من ب بالنظر الی ا د و من ب وحده ه. و هذه ثلاثة اشیاء فی المرتبة الثالثة من مراتب الصدور ثم لیصدر من ا ج معاً، و من ا و معاً ز، و من ا ه معاً ح، و من ا ب ج معاً ط، و من ا ب د معاً ی، و من ا ب ه معاً ک، و من ا ج د معاً ل، و من ا ب ج ه معاً م، و من ا ب د ه معاً

ن، ومن ا ب ج د ه معاً س، ومن ب ح معاً ع، ومن ب
 د معاً ف، ومن ب ه معاً ص، ومن ب ج د معاً ق، ومن ب ج
 ه معاً ر، ومن ب د ه معاً ش ومن ب ج د ه معاً ت، ومن ج وحده
 ث و من د وحده خ ومن ه وحده ذ ومن ج د معاً ض
 ومن ج ه معاً ظ ومن د ه معاً غ ومن ج د ه معاً لا
 وهذه صورتها:

المرتبة الاولى من مراتب الموجودات : ا

المرتبه الثانية منها : ب

المرتبة الثالثة : ج د ه

المرتبة الرابعة: وزح طى لك ل م ن س ع ف ص ق ر ش

ت ث خ ن ض ظ غ لا

فجميع ما يمكن ان نحصل في المرتبة الرابعة من الموجودات
 اربعة وعشرون و اذا جاوزت هذه المراتب صارت الصادر في مرتبة
 واحدة اكثر من ان نحصى . وقد ظهر من ذلك امكان صدور اشياء لا
 نحصى كلها معافى مرتبة واحدة من المبدء الاول من غير تقدم البعض
 على البعض .

والمنفول من الحكماء انهم قالوا: في العقل الاول الصادر عن المبدء الاول
 اربع جهات : وجود من الاول وامكان من ذاته وتعتل للاول ونعتل لذاته .
 فصار بوجوده مبدء الصورة فلك وبامكانه مبدء لمادته، وتعتله الاول مبدءا
 لعقل ثان، وتعتله لذاته مبدءاً لنفسه هي نفس ذلك الفلك وانما اوردوا ذلك
 على طريق التمثيل والتجوز لاعلى سبيل القطع والتحقيق . وفديلوح من ذلك
 للمستبصر ما بيناه، فبين ان وجوده هو الذي من هذه الاربعة حصل من المبدء
 الاول وحده؛ وهو بمنزلة ب في مثالنا . واما امكانه فقد حصل من نسبة ما هيته

التي هي ما به يمتاز عن الاول ثم عن غيره الى وجوده. وهي اعنى الماهية هي التي تحصل فيما تحصل في المرتبة الثالثة منه بمنزلة ه. واما الامكان فبمنزلة ص، واما تعقله للمبدء الاول فقد حصل منه بالنظر الى مبداء وهو بمنزلة و، واما تعقله لذاته فانما يتحقق ذلك بافاضة المبدء الاول عليه ذلك التعقل فهو بمنزلة ج. وقد بينا ان الاعتبارات العقلية والسلوب تصلح لان يصير المبدء الاول بانضمامها اليه مبدء لموجودات كثيرة. والحق الذي يقتضيه اصولهم: ان جميع الموجودات صادرة عن المبدء الاول وانما يصدر عنه باعتبارات هي امور معقولة او صافا كانت او اضافات او سلوبا. ومصدر الوجود ومنبع الكون هو لا غير. وانما وصف بالقادرة من حيث تعقله بالقياس الى مقدوراته، وبالعلمية من حيث تعقله بالقياس الى معلوماته وبالمرادية من حيث تعلق عنايته المخصوصة للطرف الخاص بالوجود من طرفي الامكان دون الطرف الاخير. وكذلك القول في ساير صفاته فهي لكونها امورا عقلية متاخرة عن الكثرة يكون متاخرة عن صدور الكثرة. وانصاف الواجب بالصفات الممكنة لا يثلم في واجيته. فهذا ما فهمته من مذهبهم في كيفية صدور الكثرة عن المبدء الاول الواحد الواجب لذاته تعالى وتقدس.

واما قولهم في العلم بالجزئيات، فاقول فيه اولان الاهم في هذا الباب تحقيق حقيقة العلم. وذلك يشتمل على اطناب مع مخالفة للمتقدمين منهم. وقد عرضت لشئ منه في شرح الاشارات في باب تحقيق علمه تعالى بغيره. فلنعرض عنه ههنا ونشتغل بالمسئلة ونقول: العلم بالجزئيات اعنى الشخصيات الزمانية والمكانية قد يكون على وجه كلي عقلي، وقد يكون على وجه جزئي حسي او خيالي. والاول يكون على طريق الاحاطة بجميع الزمان من الازل الى الابد، بما فيه من الاجزاء المفروضة وجميع المتمزونات

المقارنة لزمان زمان، وجميع النسب الواقعة بينهما في التقدم والتأخر، ومقادير تقدم كل واحد على كل واحد مما يكون بعده وتأخره مما يكون مثله على ما هو عليه في الوجود، وجميع الامكنة السارية في الجهات وساتحوياتك الامكنة من المتمكنات وجميع اوضاعها بنسبة البعض الى البعض في جهة من جهانه كالقوى والتحت والقدام والخلف واليمين واليسار وما يتركب منها، وعلى كيفية الاشارات الحسية من كل واحد الى كل واحد غير مقادير الامتدادات بينهما على ما هو الوجود. انما سمي كلياً؛ لان ذلك اذا عقل مع جميع هذه الاوصاف، غير مفيد بانها العلم بالموجودات الزمانية والمكانية التي في عالمنا هذا. يعنى ان ذلك التعقل هو تعقل كليات طبيعية؛ وانما بصير جزوية باقترانها بقيدها بانها صورة هذا العالم. وهو كلية عقلية باقترانها بتجوهر مطابقتها لصور عوالم غير هذا العالم هي امثال هذا العالم. وعلمه تعالى من حيث صدورها عنه هكذا تخصصها باسرها فيصير جزوية بهذا الاعتبار. واما الوجه الثانى وهو العلم بالجزئيات على الوجه الجزوى الحسى او الخيالى؛ فقد يكون كعلم احدنا وهو في زمان بعينه بغيره، من حيث كون ذلك الغير في زمان آخر بعينه، قبل ذلك الزمان او بعده، مع العلم بمقدار ما بينها من العدة؛ وذلك امتداد زمانى بين مترزمن و مترزمن كانه اشارة منه الى ذلك الاخر اشارة خيالية، مع العلم بان احدهما يكون ماضيا او مستقبلا عند العالم بذلك العلم من حيث كونه في احد ذلك الزمانين؛ و كعلم احدنا وهو في مكان بعينه بغيره من حيث كونه في مكان آخر واقع في جهة بعينه للمكان الاول، على وجه يصح منه الاشارة الى ذلك الاخر. والاشارة اليه هي امتداد وضعى، من ذى وضع الى ذى وضع آخر كلى منه في جهة معينة. وعلمه تعالى لا يتعلق بالموجودات الزمانية والمكانية على هذا الوجه. لامتناع كون ذاته التي هي علة الازمنة والامكنة كلها في

زمان او مکان بعینها. و كما لا یصح ان یوصف بانه ذائق او شام و لاس
لکونه غیر ذی آله جسمانیة؛ فکذلک لا یصح ان یوصف بانه عالم بالجزئیات
علی وجه جزوی. فان ذلک یقتضی کون العالم بها واقعاً فی زمان و مکان
بعینها. حتی یصح منه ان یشیر الی غیره. فما هو فی زمان و مکان، غیر زمانه
و مکانه؛ و یکون اشاریه امتداد آمنه الیه خیالیاً او حسیاً. وان نعر علی من
یرید ان یفهم ذلک، تصور موجود لافی زمان و مکان؛ فلیعتبر الحکم بان
الواحد نصف الاثنین، من حیث امتناع اختصاصه بمکان او زمان متعینین.
فانه لا یجوز ان یقال ان الواحد نصف الاثنین فی هذه السنة او فی هذه البلدة
ولا فی غیرهما من الازمنة و الامکنه. فلیتأمل ان مثل هذ الحکم الذی
یحْتَاج الی شئی یتصور بهذا العلم فی نفس الامر، لا یمكن ان یختص بزمان
او مکان متعین؛ فکیف یجوز ان یختص المتصور به بهما؛ و کیف تختص مبدع
الازمنة و الازمنة بزمان او مکان هما متأخران عنه فی الوجود بمراتب کثیرة.
واذ بمتنع اختصاصه بالازمنة و الامکنه المتعینة؛ فکیف یتصور الاشارة منه
الی زمان او مکان متعینین. و اذا عرفت ذلک من طریق العقل، و صدقت به؛
فان ابی و همک توهم ذلک، فعلیک ان لا تقترح فی الحکم العقلی، بسبب امتناع
الوهم عن قبول حکم لیس من شأنه ان یحکم به. ولنورد لذلك مثلاً، وان
کان بعیدا عنه، و هو ان یفرض سجلاً مکتوباً، یشتمل کتابته علی سطور،
فیها کلمات متألفة من حروف؛ فالعالم بجمیع ما فی السجل من السطور و
الکتاب و الحروف دفعة، بکون عالماً بما فیہ علی وجهه. و الناظر فیہ الذی
ینتقل نظره من سطر الی سطر بل من کلمة الی کلمة و من حرف الی حرف،
بحیث یکون بعض السطور و الکلمات و الحروف مما مر علیه و بعضهما
سیر علیہ من بعد؛ یکون عالماً بما فیہ علی وجه جزوی، مشتمل علی ما
خرج الی الفعل، و علی ما هو بالقوة بعد. فلیتأمل فیہ و لیحکم بما یقتضیه العقل

الصريح، دون الوهم و الخيال انشاء الله. فهذا ما فهمته من قولهم علم المبداء الاول با لجزئيات، نكون على وجه كلي، لاعلى وجه جزوى زمانى، وذلك ما اردت ايراده، فى جواب سئوالى مولانا العالم المحقق فخر الملة والدين شمس الاسلام والمسلمين قدوة العلماء المحققين سيدافاضل المتأخرين قاضى القضات، ادام الله علوه وحرس مجده. فان طابق مراده فهو المطلوب؛ وان توقف فى شئى من ذلك اعاد بفضل ذلك الموضوع، لاوضح ما عندى فيه انشاء الله تعالى وهو ولى التوفيق و الملهم للصواب منه المبداء واليه المآب—فرغ من كتابة مسودته فى ذى القعدة سنة ستة وستين وستمائة هجرية حامدا و مصليا مسلماً و داعيا ومستغفرا (از روى نسخه ش ٤/١٠٧٩ دانشگاه - ص ١٨٧ فهرست نسخه ملك ش ٦٨١ گ ٥٣ الف - ٥٤ الف نقل از خط طوسی بدو واسطه)

سوم رساله «علل و معلولات» كه در آن هم بروش رضى رفته وموشكافى بيشتري كرده است :

هذه رسالة اخترعها المولى السعيد المحقق العلامة افضل المتأخرين نصير الحق و الدين الطوسى، رحمه الله فى العلل و المعلولات .

بسم الله الرحمن الرحيم . مسئله :

قالت الحكماء: «المبدأ الاول لجميع الموجودات واحد ، تعالى ذكره ،

وان الواحد لا يصدر عنه الا واحد »

قيل لهم : فان كان هكذا؛ و جب ان يكون معلولاته ، واحدا بعد

واحد، متسلسلة الى المعلول الآخر ؛ وحيث لا يمكن ان يوجد شيان الا و يكون

احدهما علة للآخر ، بوسط او بغير وسط .

قالوا انما قلنا : ان الواحد لا يصدر عنه من جهة واحدة الا واحد . اما

اذا تكررت الجهات فقد يصدر عنه من تلك الجهات كثرة ؛ ولا يكون ذلك

مناقضا لقولنا : « لا يصدر عنه الا واحد » .

قالوا : و المعلول الاول الذى هو عقل اول فيه جهات كثيرة :
احديها وجوده الصادر عن المبدأ الاول ، والثانى ماهيته التى يقتضيها غيريته
للاول ، والثالث علمه بالاول ، والرابع علمه بذاته ،

قالوا : ويمكن ان يصدر عنه من هذه الجهات اربعة اشياء : عقل ثانى ؛
وهيولى ؛ و صورة ، يتركب عنهما فلک هو اعظم الافلاك ؛ ونفس تدبر
ذلك الفلک و تحركه . ثم يصدر عن ذلك العقل عقل ، و فلک ، و نفس ؛
وهكذا الى ان بصير العقول عشرة ، و الافلاك تسعة ؛ و يصدر عن العقل
الآخر هيولى عالم الكون و الفساد ، و الصور المتعاقبة فيها على تفصيل
ذكره .

قيل لهم : هذه الجهات التسي فى العقل الاول ان كانت موجودات
متغابرة ؛ فقد صدر عن المبدأ الاول كثرة ؛ وان لم تكن موجودات ؛ فكيف
يعقل صدور اشياء ، عن شئ واحد ، من جهات لا وجود لها . ثم انكم تقولون :
ان الافلاك ، وفيها كواكب ناتبة لا تحصى (و) كواكب سيارة ؛ فجميع هذه
من ابن جاء و ما عللها . و طال النزاع بين الفريقين كما هو المشهور بين
النظار .

اقول : ويمكن ان يصدر عن المبدأ الاول ، على قواعد الحكماء ، كثرة
غير مترتبة بوسائط قليلة ؛ ولا يكون مبدء كل معلول العلة موجودة ؛
بانفرادها ، غير امر اعتبارى او جهة لا وجود (لها) بانفراد . فليكن المبدأ
الاول : ا ، و معلوله الاولى : ب ، و هو فى اول مراتب المعلولات . ثم
ليصدر عن ا مع ب ، ج ، و عن ب وحده د ، فهما فى ثانية مراتبها و هما
معلولان غير مترتبين اى ليس احدهما علة للآخر . و مجموع المعلولات
مع العلة الاولى اربعة : ا ب ج د ؛ و لنسمها بالمبادئ . و ازدواجاتها الثنائية
ست هي : ا ب ، ا ج ، ا د ، ب ج ، ب د ، ج د . و الثلاثية اربع : ا ب ج ،

ابد ، اجد ، بجد ، والرابعة واحدة ، هي : مجموع ا ب ج د . والجميع خمسة عشر . و يمكن ان بصدر عن كل واحد من هذه ، مفردة كانت او مزدوجة ، معلول ؛ الامن ا وحده و من ب وحده و من اب معا ؛ فان معلولات هذه الثلاثة مذكورة في المرتبتين الاولى والثانية . وبقى اثنا عشر ، منها اثنان فرادى هما : ج و د ، و خمسة ثنائية ، و اربعة ثلاثية ، و واحد رباعي ؛ و معلولاتها اثنا عشر ، وهي في ثلاثة مراتب المعلولات من غير ان يتوسط البعض في صدور البعض . ثم في المرتبة الرابعة يحصل معلولات ، يزيد عدتها على خمسة وستين الفا . ولنقدم على بيان ذلك مقدمة ، هي ان نقول : اذا اعتبرنا في الاتنا عشر الافراد ، والازدواج ثنائية و ثلاثية ، و مازاد عليها الى اثني عشر ؛ حصل لنا اربعة الاف و مائتان وخمسة وتسعون عددا ؛ منها ا ب الافراد : ١٢ ، و حاصل الثنائيات : ٦٦ ، و حاصل الثلاثيات : ٢٢٠ و حاصل الرباعيات : ٤٩٥ ، و حاصل الخماسيات : ٧٩٣ ، و حاصل السداسيات : ٩٢٤ و السباعيات مثل الخماسيات ، اذ فيها ترك خمسة من الاعداد الاثني عشر كما ان في الخماسيات اخذ خمسة ؛ وكذلك الثمانيات مثل الرباعيات ؛ والتساعيات مثل الثلاثيات ؛ والعشاريات مثل الثنائيات ؛ والاحد عشرات مثل الافراد ؛ واثنا عشرى واحد لا غير . ولنضع لبيان ذلك الاثني عشر وهي : ه و ز ح ط ي ب ج د ي ه بو ؛ فظا ه ان افرادها اثنا عشر فقط ، وان ثنائياتها تجعل من انضمام ه مع كل واحد مما عداه و هو احد عشر ، ثم من انضمام و مع كل واحد مما بعده وهو عشرة ، وهكذا فيما بعد ، و المجموع يحصل من جميع الاعداد المتوالية من واحد الى احد عشر وهو ستة وستون لا غير وهي حاصل الثنائيات . واما الثلاثيات ، فيحصل من انضمام ه مع و وهما مع واحد واحد من الباقية وهي عشرة ، ثم من انضمام ه مع د وهما مع واحد واحد و احد مما بعدهما ، وهي تسعة ؛ وهكذا الى ان

بتم الاعداد و يحصل عدد مركب من الواحد الى العشرة على التوالي وهو خمسة و خمسون بكونه احدا جزاء جميعها ، ثم يخلى عنه و يعتبر مع ز و هما مع واحد واحد من الباقية يحصل تسعة ومن اعتبار مع ح و هما مع واحد واحد مما بعد هما يحصل ثمانية ؛ وهكذا الى الاخر و يحصل عدد يتركب من الواحد الى التسعة على التوالي و هو خمسة و اربعون . و على هذا القياس يعتبر مما بعد و يحصل لنا اعداد مركبة من الواحد الى الثمانية ومن الواحد الى السبعة الى ان ينتهي الى الواحد وحده ؛ ويكون الاعداد جميعها هذه : نه ، لو ، كج ، كا ، به ، بي ، و ، ج ، ا ؛ و مجموعها ٢٢٠ و ذلك هو حاصل التلايات . و اما الرباعيات فيكون في الاعتبار الاول و زمع واحد واحد من التسعة الباقية ؛ ثم اعتبار ه و مع اثنتين اثنتي مما بعدهما ؛ ثم اعتبار ه مع ثلاثة ثلاثة يحصل ما يجتمع من الواحد منضما الى الاعداد المتوالية التي بعدها الى تسعة ، ثم منه الى ثمانية ، ثم منه الى سبعة ، و هكذا الى الواحد وحده و يحصل من الجمع هذه الاعداد : قسه ، قك ، مد ، نو ، له ، ك ، بي ، د ، ا ؛ و مجموعها : ٤٩٥ ؛ و ذلك هو حاصل الرباعيات . و على هذا القياس بعمل في طلب الازدواج الخماسية ؛ و يحصل هذه الاعداد متوالية في آخر العمل : نلل ، ري ، فكو ع ، له ، به ، ده ، ا ؛ و مجموعها : ٧٩٢ ؛ و هو حاصل الخماسيات . و بعمل ايضا في طلب الازدواج السداسية مثل ذلك فيحصل هذه الاعداد : قست ، رنب ، فكو ، نو ، كا ، و ، ا ؛ و مجموعها : ٩٢٤ ؛ و هو حاصل السداسيات . و قد ذكرنا ان السباعيات بكون مثل الخماسيات ؛ و الثمانيات مثل الرباعيات ؛ و التساعيات مثل الثلاثيات ؛ و العشاريات مثل الثنائيات ؛ و الاحد عشريات مثل الافراد ، و الاثنا عشرى و احدا لغير ؛ و المجموع ما ذكرناه من العدد .

فهذا ما اردت تقديمه ؛ و لنعد الى المقصود ؛ فنقول : اذا اعتبرنا

المبادئ الاربعة المذكورة مع الاثنى عشر التى فى المرتبة الثالثة ، افراداً او ثنائيات و ثلاثيات ، الى الستة عشر التى هى المجموع ؛ حصل تركيبات كثيرة عمدتها ما ذكرنا . اما اعتبار الاحاد فرادى فلا يزيد على ١٢ هى معلولات العدد الذى فى المرتبة الثالثة ؛ لان المبادئ لا يجوز ان يصير مرة اخرى مبادئ لشئ من المعلولات .

و اما الثنائيات ، فحاصلها فى اعتبار الاننى عشر ستة وستون كما مر ؛ وبحصل من انضمام كل واحد من المبادئ مع واحد واحد من الاننى عشر ، ما يحصل فى ضرب اربعة فى اننى عشر وهو ثمانية و اربعون والجمع ١١٤ لا مزيد علميه .

و اما الثلاثيات ، فحاصل الثلاثيات الاننى عشرية ٢٢٠ ؛ والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى واحد واحد من حاصل الثنائيات الاثنى عشرية ، ما يحصل من ضرب اربعة فى ستة وستين وهو مائتان و اربعة وستون ؛ ومن انضمام كل ان من المبادئ الى كل واحد من الاننى عشر ، ما يحصل من ضرب ستة فى اننى عشر وهو اثنان وسبعون ؛ والمجموع ٥٥٦ لا مزيد عليه .

و اما الرباعيات ، فحاصل الرباعيات الاننى عشرية اربعمائة وخمسة و تسعون ؛ والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى حاصل الثلاثيات الذى هو مائتان وعشرون ، ما يحصل من ضرب اربعة فيه وهو ثمانمائة وثمانون ؛ ومن انضمام كل اثنتين من المبادئ الى حاصل الثنائيات الذى هو ستة وستون ، ما يحصل من ضرب ستة فيه وهو ثلثمائة وستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثلاثة من المبادئ الى حاصل الافراد وهو اثناعشر ، ما يحصل من ضرب اربعة فيه وهو ثمانية و اربعون والمجموع ١٨١٩ لا يزيد .

و اما الخماسيات ، فحاصلها الاثنا عشرى سبعمائة و اثنان و تسعون ؛

والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى حاصل الرباعيات ، ما يحصل من ضرب اربعة في اربعمائة وخمسة وتسعين وهوالف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن انضمام كل اثنتين منها الى حاصل الثلاثيات ، ما يحصل من ضرب ستة في مائتين وعشرين وهوالف و ثلثمائة وعشرون ؛ ومن انضمام كل ثلاثة منها الى حاصل الثنائيات ، ما يحصل من ضرب اربعة في ستة وستين وهومائتان و اربعة وستون ؛ و من انضمام المبادئ الاربعة الى حاصل الافراد ما يحصل من ضرب واحد في اثني عشر والمجموع ٤٣٦٨ .

و اما السداسيات فحاصلها الاثنا عشرى تسعمائة و اربعة وعشرون و من انضمام واحد واحد من المبادئ الى حاصل الخماسيات ثلثة آلاف ومائة و ثمانيه وستون ؛ و من اثنين اثنين الى حاصل الرباعيات اثنان و تسعمائة و سبعون ؛ و من ثلثة ثلثة الى حاصل الثلاثيات ثمانمائة وثمانون ؛ ومن الاربعة الى حاصل الثنائيات سنة وستون و المجموع ٨٠٠٨

و اما السباعيات ، فحاصلها الاثنا عشرى سبعمائة وانان و تسعون ؛ والحاصل من انضمام احاد المبادئ الى حاصل السداسيات ثلثة الاف وستمائة وستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثنائياتها الى حاصل الخماسيات اربعة الاف وسبعمائة و انان و خمسون ؛ و من ثلاثياتها الى حاصل الرباعيات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن اربعتها الى حاصل الثلاثيات مائتان و عشرون و المجموع ١١٤٤٠ .

و اما الثمانيات ، فحاصلها الاثنا عشرى اربعمائة وخمسة و تسعون ؛ والحاصل من احاد المبادئ مع حاصل السباعيات ثلثة الاف و مائة و ثمانية وستون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل السداسيات خمسة الاف وخمسائة و اربعة و اربعون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الخماسيات ثلثة الاف ومائة و ثمانية وستون ؛ ومن اربعتها مع حاصل الرباعيات اربعمائة وخمسة و تسعون والمجموع

يكون ١٢٨٧٠

و اما التساعيات ، فحاصلها الاثناعشرى مائتان وعشرون ؛ والحاصل من آحاد المبادى مع حاصل الثمانيات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل السباعيات اربعة الاف وسبعمائة واثنان و خمسون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل السداسيات ثلثة الاف و ستمائة و ستة و تسعون ؛ ومن اربعتها فى حاصل الخماسيات سبعمائة وانان و سعون والمجموع ١١٤٤٠

و اما العشاريات ، فحاصلها الاثناعشرى ستة وستون ؛ والحاصل من احاد المبادى مع حاصل التساعيات ثمانمائة و ثمانون ؛ و من ثنائياتها مع حاصل الثمانيات الفان و تسعمائة وسبعون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل السباعيات ثلثة آلاف ومائة و نمانية وستون ؛ ومن اربعتها مع حاصل السداسيات تسعمائة و اربعة و عشرون والمجموع ٨٠٠٨

و اما الاحد عشر بات ، فحاصلها الاثناعشرى اثناعشر و الحاصل من آحاد المبادى مع حاصل العشاريات مائتان و اربعة وستون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل التساعيات الف و ثلثمائة وعشرون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الثمانيات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل السباعيات سبعمائة وانان و تسعون و المجموع ٤٣٦٨

و اما الاثناعشر بات ، فحاصلها الاثنى عشرى واحد ؛ والحاصل من احاد المبادى مع حاصل الاحد عشريات ثمينة واربعون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائة وستة و تسعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل التساعيات ثمانمائة و ثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل الثمانيات اربعمائة وخمسة و تسعون والمجموع ١٨٢٠ و اما الثلثة عشريات ، فليس لها حاصل اثنى عشرى ؛ و الحاصل من احاد المبادى مع حاصل الاثناعشرى اربعة ؛ و من ثنائياتها مع حاصل الاحد عشريات اثنان و سبعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائة و ستة و تسعون ؛ و من اربعتها مع حاصل التساعيات مائتان وعشرون والمجموع ٢٩٢

و اما الاربعة عشر بات ، فليس لها حاصل اثنا عشرى ، ولا حاصل مع احاد المبادى ؛ والحاصل من نثائيات المبادى مع الحاصل من الاثنى عشرى ستة ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الاحد عشر بات ثمانمائة و اربعون ، و من اربعتها مع حاصل العشار بات ستة وستون والمجموع ۱۲۰

و اما الخمسه عشر بات ، فليس لها حاصل اثنا عشرى ، ولا حاصل مع آحاد المبادى و نثائياتها ؛ والحاصل من ثلاثياتها مع الحاصل الاثنا عشرى اربعة ؛ و من اربعتها مع حاصل الاحد عشر بات اثنا عشر والمجموع ۱۶ .
و اما الستة عشرية فواحد لا غير .

و اذن حصل لنا من هذه الازدواجات هذه الاعداد : الافراد : ۱۲ ؛
الثنائيات : ۱۱۴ ؛ الثلاثيات : ۵۵۶ ؛ الرباعيات : ۱۸۱۹ ؛ الخماسيات : ۴۳۶۸ ؛
السداسيات : ۸۰۰۸ ، السباعيات : ۱۱۴۴۰ ؛ الثمانيات : ۱۲۸۷۰ ؛ التساعيات :
۱۱۴۴۰ ، العشار بات : ۸۰۰۸ ؛ الاحد عشر بات : ۴۳۴۸ ؛ الاثنا عشر بات :
۱۸۲۰ ؛ الثلثة عشر بات : ۶۹۲ ؛ الاربعة عشر بات : ۱۲۰ ؛ الخمسة عشر بات : ۶۱ ؛
الستة عشرى : ۱ ؛ والمجموع الحاصل من ذلك خمسة وستون الفا وستمائة
واثنان و خمسون عدداً هي اعداد المعلولات التى يمكن ان يقع فى الدرتبة
الرابعة للمعلولات من عند المبدأ الاول من غير نوسط البعض للبعض ومن غير
تأثير الاعتبار والجهات التى لا توجد بالاستقلال . وان اعتبر ما بعد هذه المرتبة ،
وعندما يقع فيها ؛ صارت الاعداد عسره الانضباط ، لكثرتها . و قد نبين من
ذلك امكان صدور الكثرة التى لا ينحصر من المبدأ الاول ، على شريطة ان
لا يصدر من واحد الا واحد ، من غير ان يكون المعلولات متسلسلة . وذلك
ما اردت بيانه فى هذه المسئلة . والله اعلم بالصواب (از روى نسخه ش
۱۲/۱۰۷۹ دانشگاه ص ۳۰۵ فهرست)

در روضه التسليم كه از خواجه طوسى پنداشته اند هم در تصور دوم

و بویزه سوم از قاعده «لا یصدر عن الواحد الا الواحد» کاوش سده ولی سخنان درست و استوار در آن نیامده است. در کشف المحجوب سجستانی و راحة العقل کرمانی و زاد المسافرین ناصر خسرو و گشایش و رهایش و روشنائی نامه او یادی از آن نگشته مگر اینکه قبادبانی در صف بیست و هفتم خوان اخوان (ص ۷۵) می نویسد: «علت همه بودها کلمه باری سبحانه است و آن کلمه یکیست و معلول او بحقیقت بی هیچ میانجی یکی لازم آید نا با میانجی آن یک معلول دیگر معلولات پدید آند». در جامع الحکمتین هم (ص ۱۴۵) و سرخ قصیده ابوالهیتم از محمد بن سرخ نیشابوری (ص ۳۶) هم میتوان سخنانی در این زمینه یافت.

در کتابخانه دانشگاه (ش ۲/ ۸۸۰ - ص ۳۹۷ فهرست نگارنده) رساله ای است درباره قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» و بسیار سودمند میباشد. این بود آنچه از خواجه طوسی در این زمینه در دسترس دانسته و در اینجا آورده ام و چنین بود آگاهی نگارنده از این قاعده فلسفی.

محمد تقی دانش پژوه

اردی بهشت ۱۳۳۵

انتشارات دانشگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱) تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲ - A Strain Theory of Matter « « محمود حسابی
- ۳ - آراء فلاسفه درباره عادت ترجمه « برزو سپهری
- ۴ - کالبدشناسی هنری تألیف « نعمت‌الله کیهانی
- ۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم تصحیح سعید نفیسی
- ۶ - بیماریهای دندان تألیف دکتر محمود سیاسی
- ۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها « « سرهنگ شمس
- ۸ - حماسه سرائی در ایران « « ذبیح‌الله صفا
- ۹ - مز دیسناو تأثیر آن در ادبیات پارسی « « محمد مهین
- ۱۰ - نقشه برداری جلد دوم « مهندس حسن شمس
- ۱۱ - گیاه شناسی « حسین گل گلاب
- ۱۲ - اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی بتصحیح مدرس رضوی
- ۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول تألیف دکتر حسن ستوده تهرانی
- ۱۴ - روش تجزیه « « علی اکبر پرین
- ۱۵ - تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان دراهم آورده دکتر مهدی بیانی
- ۱۶ - حقوق اساسی تألیف دکتر قاسم زاده
- ۱۷ - فقه و تجارت « زین العابدین ذوالعبدین
- ۱۸ - راهنمای دانشگاه -
- ۱۹ - مقررات دانشگاه -
- ۲۰ - درختان جنگلی ایران « مهندس حبیب‌الله نابوی
- ۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی -
- ۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه -
- ۲۳ - Les Espaces Normaux
- ۲۴ - موسیقی دوره ساسانی
- ۲۵ - حماسه ملی ایران
- ۲۶ - زیست شناسی (۲) بحث در نظریه لامارک
- ۲۷ - هندسه تحلیلی
- ۲۸ - اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول
- ۲۹ - اصول گداز و استخراج فلزات « دوم
- ۳۰ - اصول گداز و استخراج فلزات « سوم
- ۳۱ - ریاضیات در شیمی
- ۳۲ - جنگل شناسی جلد اول
- ۳۳ - اصول آموزش و پرورش
- ۳۴ - فیزیولوژی گیاهی جلد اول
- تألیف دکتر هشترودی
- « مهدی برکشلی
- ترجمه « بزرگ علوی
- تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- « « علینقی وحدتی
- تألیف دکتر بگانه حایرد
- « « «
- « « «
- « « هورفر
- « مرحوم مهندس کریم ساعی
- نگارش دکتر محمد باقر هوشیار
- « « اسمعیل زاهدی

- ۳۵- جبر و آنالیز
 ۳۶- گزارش سفر هند
 ۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی
 ۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین
 ۳۹- واژه نامه طبری
 ۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی
 ۴۱- تاریخ اسلام
 ۴۲- جانورشناسی عمومی
 ۴۳- Les Connexions Normales
 ۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی
 نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
 < < غلامحسین صدیقی
 < < پرویز نائل خانلری
 < < مهدی بهرامی
 < < صادق کیا
 < عیسی بهنام
 < دکتر فیاض
 < < فاطمی
 < < هشنرودی
 < دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
 نگارش دکتر مهدی جلالی
 < < آ. وارثانی
 < < زین العابدین ذوالمجدین
 < < دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
 < < ناصر انصاری
 < < افضل‌ی‌پور
 < < احمد بیرشک
 < < دکتر محمدی
 < < آزر
 < < نجم آبادی
 < < صفوی گلپایگان
 < < آهی
 < < زاهدی
 < < دکتر فتح‌الله امیر هوشمند
 < < علی اکبر برین
 < < مهندس سعیدی
 ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
 تألیف دکتر محمود کیهان
 < < مهندس گوهریان
 < < مهندس میردامادی
 < < دکتر آرمین
 < < کمال جناب
 تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم -
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
 تألیف دکتر عطایی
 < < <
 < < مهندس حبیب‌الله نابتی
 < < دکتر گایک
 < < علی اصغر پورهایون
 ۴۵- روان‌شناسی کودک
 ۴۶- اصول شیمی پزشکی
 ۴۷- ترجمه و شرح تبصره علامه جداول
 ۴۸- آکوستیک < صوت > (۱) ارتعاشات - سرعت
 ۴۹- انگل شناسی
 ۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط
 ۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی
 ۵۲- درس اللغة و الادب (۱)
 ۵۳- جانور شناسی سیستماتیک
 ۵۴- پزشکی عملی
 ۵۵- روش تهیه مواد آلی
 ۵۶- مامائی
 ۵۷- فیزیولوژی گیاهی جلد دوم
 ۵۸- فلسفه آموزش و پرورش
 ۵۹- شیمی تجزیه
 ۶۰- شیمی عمومی
 ۶۱- امیل
 ۶۲- اصول علم اقتصاد
 ۶۳- مقاومت مصالح
 ۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر
 ۶۵- آسیب شناسی
 ۶۶- مکانیک فیزیک
 ۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی
 ۶۸- درمان‌شناسی جلد اول
 ۶۹- درمان‌شناسی < دوم
 ۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات
 ۷۱- شیمی آنالیتیک
 ۷۲- اقتصاد جلد اول

- ۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی
 ۷۴- راهنمای دانشگاه
 ۷۵- اقتصاد اجتماعی
 ۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم
 ۷۷- زیبا شناسی
 ۷۸- تئوری سنتیک گازها
 ۷۹- کارآموزی داروسازی
 ۸۰- قوانین دامپزشکی
 ۸۱- جنگل شناسی جلد دوم
 ۸۲- استقلال آمریکا
 ۸۳- کنجکاو یهای علمی و ادبی
 ۸۴- ادوار فقه
 ۸۵- دینامیک گازها
 ۸۶- آئین دادرسی در اسلام
 ۸۷- ادبیات فرانسه
 ۸۸- از سرین تا یونسکو - دو ماه در پاریس
 ۸۹- حقوق تطبیقی
 ۹۰- میکروپ شناسی جلد اول
 ۹۱- میز راه جلد اول
 ۹۲- < < دوم
 ۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)
 ۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم
 ۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی
 ۹۶- < < (۴) - رگ شناسی
 ۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول
 ۹۸- هندسه تحلیلی
 ۹۹- جبر و آنالیز
 ۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)
 ۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان شناسی اسب
 ۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی
 ۱۰۳- آزمایش و تصفیه آبها
 ۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی
 ۱۰۵- فیه مافیه
 ۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول
 ۱۰۷- الکتروسیته و موارد استعمال آن
 ۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه
 ۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القرآن
 ۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر
 ۱۱۱- شیمی آلی جلد اول تئوری و اصول کلی
 ۱۱۲- شیمی آلی «ارسمایک» جلد اول
- بتصحیح مدرس رضوی
 -
 تألیف دکتر شیدفر
 < < حسن ستوده تهرانی
 < علینقی وزیری
 < دکتر روشن
 < < جنیدی
 < < میمنندی نژاد
 < مرحوم مهندس ساعی
 < دکتر مجیر شیبانی
 -
 < محمود شهابی
 < دکتر غفاری
 < محمد سنگلجی
 < دکتر سپهبدی
 < < علی اکبر سیاسی
 < < حسن افشار
 تألیف دکتر سهراب - دکتر میر دامادی
 < < حسین گلژی
 < < < <
 < < نعمت الله کیهانی
 < < زین العابدین ذوالمجدین
 < < دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
 دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نسر
 < < < <
 تألیف دکتر جمشیداعلم
 < < کامکار پارسى
 < < < <
 < < بیانی
 < < میر بابائی
 < < محسن عزیزی
 نگارش دکتر محمد جواد جنیدی
 < < نصرالله فلسفی
 < < بدیع الزمان فروزانفر
 < < دکتر محسن عزیزی
 < < مهندس عبدالله ریاضی
 < < دکتر اسمعیل زاهدی
 < < سید محمد باقر سبزواری
 < < محمود شهابی
 < < دکتر عابدی
 < < شیخ

- ۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص
- ۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره
- ۱۱۵- نالیز ریاضی
- ۱۱۶- هندسه تحلیلی
- ۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم
- ۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی
- ۱۱۹- اساس اتنوچید
- ۱۲۰- فیزیک پزشکی
- ۱۲۱- اکوستیک صوت (۲) منحصات صوت - لوله - تار
- ۱۲۲- جراحی فوری اطفال
- ۱۲۳- مهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)
- ۱۲۴- چشم پزشکی جداول
- ۱۲۵- شیمی فیزیک
- ۱۲۶- بیماریهای گیاه
- ۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی
- ۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق
- ۱۲۹- تاریخ کشاورزی
- ۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
- ۱۳۱- امراض و امیر دام
- ۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)
- ۱۳۳- واژه نامه گرمانی
- ۱۳۴- تک یاخته شناسی
- ۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)
- ۱۳۶- عضله و زیبایی بلاستیک
- ۱۳۷- طیف جذبی و اشعه ایکس
- ۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی
- ۱۳۹- روان شناسی (از لحاظ تربیت)
- ۱۴۰- ترمودینامیک (۱)
- ۱۴۱- بهداشت روستائی
- ۱۴۲- زمین شناسی
- ۱۴۳- مکانیک عمومی
- ۱۴۴- فیزیک یولوژی جداول
- ۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیک یولوژی
- ۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جداول
- ۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول
- سلسله اعصاب محیطی
- ۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم
- سلسله اعصاب مرکزی
- ۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه
- ۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)
- ۱۵۱- اندام شناسی گیاهان
- نگارش مهدی قشقه
- دکتر علیم مروستی
- منوچهر وصال
- احمد عقیلی
- امیر کیا
- مهندس شیبانی
- مهدی آشتیانی
- دکتر فرهاد
- اسمعیل یگی
- مرعشی
- علیق منزوی تهرانی
- دکتر ضرابی
- بازرگان
- خبیری
- سپهری
- زین العابدین ذوالمجدین
- دکتر تقی بهرامی
- حکیم و دکتر گنج بخش
- رستگار
- معدی
- صادق کیا
- عزیز رفیعی
- قاسم زاده
- کیهانی
- فاضل زندی
- مینوی ویحیی مهدوی
- علی اکبر سیاسی
- مهندس بازرگان
- نگارش دکتر زوین
- یدالله سعایی
- مجتبی ریاضی
- کاتوزیان
- نصرالله نیک نفس
- سعید نفیسی
- دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- تألیف دکتر اسدالله آل بویه
- پارسا

- ۱۵۲- چشم پزشکی (۲)
- ۱۵۳- بهداشت شهری
- ۱۵۴- انشاء انگلیسی
- ۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۲)
- ۱۵۶- آسیب شناسی (کانگلیوت استر)
- ۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی
- ۱۵۸- تفسیر حواجه عبدالله انصاری
- ۱۵۹- حشره شناسی
- ۱۶۰- نشانه شناسی (علم العلامات) جلد اول
- ۱۶۱- نشانه شناسی بیماریهای اعصاب
- ۱۶۲- آسیب شناسی عملی
- ۱۶۳- احتمالات و آمار
- ۱۶۴- الکترونیک صنعتی
- ۱۶۵- آئین دادرسی کیفری
- ۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)
- ۱۶۷- فیزیک (تابش)
- ۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)
- ۱۶۹- > > > > > (جلد سوم- قسمت اول)
- ۱۷۰- رساله بود و نمود
- ۱۷۱- زندگانی شاه عباس اول
- ۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)
- ۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه
- ۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)
- ۱۷۵- آسیب شناسی آزر دگی سیستم رتیکولو آندوتلیال
- ۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانیک
- ۱۷۷- فیزیولوژی (طب عمومی)
- ۱۷۸- خطوط لبه های جذبی (اشمه ایکس)
- ۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)
- ۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین
- ۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم- قسمت دوم)
- ۱۸۲- اصول فن کتابداری
- ۱۸۳- رادیو الکترونیک
- ۱۸۴- بیوره
- ۱۸۵- چهار رساله
- ۱۸۶- آسیب شناسی (جلد دوم)
- ۱۸۷- یادداشت های مرحوم قزوینی
- ۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه ای (جلد دوم)
- ۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)
- ۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول)
- ۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)
- نگارش دکتر ضرابی
- > > اعتمادیان
- > > بازار گادی
- > > دکتر شیخ
- > > آرمن
- > > ذبیح الله صفا
- بتصحیح علی اصغر حکمت
- تألیف جلال افشار
- > > دکتر معتمد حسین میمندی نژاد
- > > صادق صبا
- > > حسین رحمتیان
- > > مهدوی اردبیلی
- > > محمد مظفری زنگنه
- > > محمدعلی هدایتی
- > > علی اصغر پورهایون
- > > روشن
- > > علینقی منزوی
- > > محمدتقی دانشپژوه
- > > محمودشاهی
- > > نصرالله فلسفی
- بتصحیح سعید نفیسی
- > >
- تألیف احمد بهمنش
- > > دکتر آرمن
- > > مرحوم زبیرک زاده
- نگارش دکتر مصباح
- > > زندی
- > > احمد بهمنش
- > > دکتر صدیق اعلم
- > > محمدتقی دانشپژوه
- > > دکتر محسن صبا
- > > رحیمی
- > > محمود سیاسی
- > > محمد سنگلجی
- > > دکتر آرمن
- فراهم آورده آقای ایرج افشار
- تألیف دکتر میربابائی
- > > مستوفی
- > > غلامعلی ینشور
- < < مهندس خلیلی

- نگارش دکتر مجتهدی
ترجمه آقای محمودشهابی
تألیف > سعید نفیسی
> > > >
> دکتر پرفسور شمس
> > توسلی
> > شبانی
> > مقدم
> > میمندی نژاد
> > نعمت‌اله کیهانی
> > محمود سیاسی
> > علی اکبر سیاسی
> > آقای محمودشهابی
> > دکتر علی اکبر بی‌نا
> > مهدوی
تصحیح و ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری
از ابن سینا - چاپ عکسی
تألیف دکتر مافی
> آقایان دکتر سهراب-
دکتر میردامادی
> > مهندس عباس دواچی
> > دکتر محمد منجمی
> > سیدحسن امامی
نگارش آقای فروزانفر
> > پرفسور فاطمی
> > مهندس بازرگان
> > دکتر یحیی یویا
> > روشن
> > میرسپاسی
> > میمندی نژاد
ترجمه > چهارزی
تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
تألیف دکتر مهدوی
> > فاضل تونی
> > مهندس ریاضی
تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
> > آرمن
> > علی اکبر شهابی
تألیف دکتر علی کنی
- ۱۹۲- حساب جامع و فاضل
۱۹۳- ترجمه مبده و معاد
۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)
۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکو آگولاسیون
۱۹۷- شیمی و فیزیک (جلد اول)
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی
۲۰۰- علم‌العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)
۲۰۲- پوره (جلد دوم)
۲۰۳- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید
۲۰۴- قواعد فقه
۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن سینا
۲۰۷- مخارج الحروف
۲۰۸- عیون الحکمه
۲۰۹- شیمی بیولوژی
۲۱۰- میکروشناسی (جلد دوم)
۲۱۱- حشرات زبان آور ایران
۲۱۲- هواشناسی
۲۱۳- حقوق مدنی
۲۱۴- مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی
۲۱۵- مکانیک استدلالی
۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)
۲۱۷- گروه بندی و انتقال خون
۲۱۸- فیزیک ، ترمودینامیک (جلد اول)
۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)
۲۲۱- حالات عصبانی یا بورز
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷)
(دستگاه گوارش)
۲۲۳- علم الاجتماع
۲۲۴- الهیات
۲۲۵- هیدرولیک عمومی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردهای سوزنال > غده فوق کلیوی <
۲۲۸- اصول الصرف
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران

۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)

۲۳۱- راهنمای دانشگاه

۲۳۲- مجموعه اصطلاحات علمی

۲۳۳- بهداشت غذایی (بهداشت نسل)

۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران

۲۳۵- ترجمه‌النهايه با تصحيح ومقدمه (۱)

۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)

۲۳۷- اصول تشریح چوب

۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلد اول)

۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی

۲۴۰- شیمی تجزیه

۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا

۲۴۲- پانزده گفتار

۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)

۲۴۴- اقتصاد کشاورزی

۲۴۵- علم‌العلامات (جلد سوم)

۲۴۶- بتن آرمه (۲)

۲۴۷- هندسه دیفرانسیل

۲۴۸- فیزیولوژی گل ورده بندی تک لپه ایها

۲۴۹- تاریخ زندگی

۲۵۰- ترجمه‌النهايه با تصحيح ومقدمه (۲)

۲۵۱- حقوق مدنی (۲)

۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)

۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)

۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا

۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)

۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸)

دستگاه ادرار و تناسل - برده صفاق

۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی

۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل‌شناسی مقایسه‌ای)

۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق

۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)

۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول)

۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)

۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)

۲۶۴- انگل شناسی (بندپایان)

۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)

۲۶۶- دامپرووری عمومی (جلد اول)

۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم)

۲۶۸- شعر فارسی (در عهدشاهرخ)

نگارش دکتر روشن

-

نگارش دکتر فضل‌الله صدیق

> دکتر تقی بهرامی

> آقای سیدمحمدسبزواری

> دکتر مهدوی اردبیلی

> مهندس رضا حجازی

> دکتر رحمتیان دکتر شمس

>> بهمنش

>> شیروانی

> ضیاء‌الدین اسمعیل بیگی

> آقای مجتبی مینوی

> دکتر یحیی بويا

>> احمد هومن

> میندی نژاد

> آقای مهندس خلیلی

> دکتر بهروز

>> زاهدی

>> هادی هدایتی

> آقای سبزواری

نگارش دکتر امامی

-

> ایرج افشار

> دکتر خانابا بیانی

>> احمد پارسا

تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی

دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک نفس

نگارش دکتر علیتقی وحدتی

> میربابائی

> مهندس احمد رضوی

> دکتر رحمتیان

>> آرمن

>> امیرکیا

>> پیشور

>> عزیز رفیعی

>> میندی نژاد

>> بهرامی

>> علی کاتوزیان

>> یارشاطر

- ۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)
- ۲۷۰- منطق التلویحات
- ۲۷۱- حقوق جنائی
- ۲۷۲- سمیولوژی اعصاب
- ۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹)
(دستگاه تولید صوت و تنفس)
- ۲۷۴- اصول آمار و کمیات آمار اقتصادی
- ۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو
- ۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب
- ۲۷۷- مدخل منطق صورت
- ۲۷۸- ویروسها
- ۲۷۹- تالیفاتها (آلکها)
- ۲۸۰- گیاه شناسی سیستماتیک
- ۲۸۱- تیره شناسی (جلد دوم)
- ۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی
- ۲۸۳- احادیث منثوی
- ۲۸۴- قواعد النحو
- ۲۸۵- آزمایشهای فیزیکی
- ۲۸۶- پند نامه اهوازی یا آئین پزشکی
- ۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم)
- ۲۸۸- چنین شناسی (رویان شناسی) جلد اول
- ۲۸۹- مکانیک فیزیکی (اندازه گیری مکانیک نقطه
مادی و فرضیه نسی) (چاپ دوم)
- ۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)
- ۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم
- ۲۹۲- چهار مقاله
- ۲۹۳- دارپوش یکم (پادشاه بارسها)
- ۲۹۴- کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن- سلسله اعصاب مرکزی
- ۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم
- نگارش ناصرقلی رادسر
- » دکتر فیاض
- » » عبدالحسین علی
- » » چهارزی
- تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم- دکتر کیم
دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- نگارش دکتر محسن صبا
- » » جناب- دکتر باز
- نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی
نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
- » » فرج الله شفا
- » » عزت الله خبیری
- » » محمد درویش
- » » پارسا
- » » مدرس رضوی
- » » آقای فروزاغر
- » » قاسم توپسرکانی
- » » دکتر محمد باقر محمودیان
- » » محمود نجم آبادی
- » » یحیی پویا
- » » احمد شفائی
- » » کمال الدین جناب
- » » محمد تقی قوامیان
- » » ضیاء الدین اسماعیل بیگ
- بتصحیح » محمد معین
- نگارش » منشی زاده
- » » نعمت الله کیهانی
- » » محمد محمدی

